

# دیباچه ای بر همسازی

پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۰ فوریه ۲۰۱۱



## فرهنگ قاسمی

متاسفانه حتی نگاهی سطحی به تاریخ سی سال اخیر به روشنی نشان میدهد که حاکمیت جمهوری اسلامی غیر قابل اصلاح بوده و از وحشی‌ترین، خشن‌ترین و ارتجاعی‌ترین رژیم‌هایی است که در تاریخ بشریت به ویژه در تاریخ ایران وجود داشته است. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است پیچیده و در عین حال متنفذ که در داخل آن صاحبان قدرت و ثروت، برای حفظ منافع خود از سیاست‌های قهر آمیز و سرکوب و اعدام استفاده می‌کنند.

امید بستن به خامنه‌ای که هیچ، حتی به عوامل به بیرون پرتاب شده از حاکمیت، کوشش بی ثمری است. دست‌یازیدن به ایجاد ارتباط، که بی تردید یک طرفه است، پست شدن در مقابل قدرتی است که تحمل تساوی و تعادل در جامعه را ندارد و تنها ابزارش برای ادامه حیاتش اعدام مخالفان است.

بسیارند کسانی که با عوض کردن طرف گمان در تعویض مطروف دارند. بی آنکه نامی از کسی برده شود این پدیده را در سیاست می‌توان در میان سیاسیون موج سوار به کرار مشاهده کرد. اینگونه انسان‌ها انتظام روش‌های سالم را در روند رشد اجتماعی مختل ساخته و نیروی سازنده را که باید برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بکار گرفته شود منحرف کرده در نتیجه خواسته یا نا خواسته در جهت اقتدار جمهوری اسلامی عمل میکنند.

گاهی تغییر نظریه سیاسی و عقیدتی و رفتار اجتماعی، بسیار آسان به نظر می‌رسد. بسیارند کسانی که تصور میکنند، بیرون رفتن از حزب یا سازمان سیاسی با اندیشه و مدل‌های مشخص و هویت یافته، که سال‌ها بر رفتار و کردار آنها حاکم بوده است و پیوستن به یک سازمان تازه، یا ایجاد یک ساختار نو و حتی رها نمودن هر گونه ساختار سیاسی، خرد زیستاری آنها را در اجتماع نیز عوض می‌کند. بسی آسف بار است وقتی مشاهده می‌شود که در عمل اینطور نیست.

آیا این افراد دیگر اصلاح پذیر نیستند؟ پاسخ به این سوال که به عوامل زیادی بستگی دارد در نزد خود آنها نیست. قبل از هر چیز این افراد بزرگترین خدمتی که به خود میتوانند بکنند قبول و شناخت مشکلی است که دارند.

مفهوم خرد جمعی امکان تصمیم گیری آزاد افراد یک مجموعه برای دست یافتن به یک سطح مشترک قابل قبول جمع است، که هرگاه واقعیت پیدا کند رشد فرهنگ اجتماعی آن مجموعه را نشان می دهد. بسیار اتفاق می افتد که جمعی با تحمل مشکلات فراوان موفق به اتخاذ تصمیمی می گردد. اما در مرحله عملی ساختن آن دچار اشکال می شود و پیشرفت نمی کند و تا آنجا در جا می زند که عوامل تشکیل دهنده خود را منهدم می کند و در نهایت از هم می پاشد. در یک چنین حالتی است که خرد زیستاری که همسازی و همزیستی برای نیل به هدفی مشترک است وظیفه اش را به درستی انجام نداده است.

اگر خرد زیستاری یعنی همسازی گروه برای دستیابی به هدف ایجاد نشده و تحول نیافته باشد کوشش جمع و پروژه تدوین شده توسط یک گروه اجتماعی، هرچند بهینه و عالی، هستی نخواهد یافت. در شرایط نبود خرد زیستاری در اجتماع، خواست و بیان نظرها و آرمانهای یک مجموعه انسانی به تنهایی، الزاما توان عملی او را تضمین نمی کند. درست بهمین جهت است که بهترین قوانین اساسی به اجرا در نمی آیند، پلاتفرم های اپوزیسیون برای همبستگی و اتحاد به عمل نمی انجامند، سازمان ها و احزاب با مرامنامه های مترقی یا در میان راه می مانند یا عقیم می شوند یا به کلی از هم می پاشند. چرایی عدم

کارآیی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران هم شاید در همین باشد؟ در هر جامعه سالم خرد جمعی باید قادر باشد عوامل بیمار و نا سالم را خنثی کند و از اخلاص آنها در پیشرفت و رشد دمکراسی جلوگیری نماید و این تنها از طریق روابط سالم و رعایت حقوق و مسئولیت های افراد میسر است.

اما ارتباطات نقش بزرگی در زندگی اجتماعی انسان بازی می کند. علیرغم تسهیلاتی که در سال های اخیراز نظر تکنیکی در امر ارتباطات در جهان روی داده است هنوز انتقال اطلاعات، دانش و تجربه بین افراد و گروهها و اجتماعات یکی از معضلات عمده بشمار میرود. گاهی در روند تعریف و انجام پروژه ها برخی امورگره میخورند. در چنین حالتی میشود تصور کرد شبکه های ارتباطی مختل یا مسدود گردیده به گره کور بدل شوند، گره های کور نه تنها باعث قطع نقل و انتقال شده بلکه خود فضائی پیچیده و بیماری را بوجود می آورند که در اثر نبود حرکت، تنفس و تغذیه سالم ممکن نشده و در میدان فعالیت فاسد میگردند. فساد این گره ها نا فهمی و بد فهمی را رشد میدهد، در این حالت شاید راه چاره، خنثی نمودن حوزه های فساد و در عین حال آزاد ساختن تحرک باشد.

به هنگام ظهور انسداد در امر ارتباطات برای پرهیز از پیچیدگی ها یا باید راستای حرکت را تغییر داد یا اینکه آنرا برای مدتی متوقف

ساخت. بیرون رفتن از حوزه و محیط و مبادرت ورزیدن به اندیشه آزاد و بی قید و شرط، طرح سوال در زمینه چندی و چونی این انسداد می تواند آماده ساز و زاینده نیروی تازه برای گشودن گره ها گردد. اما ارتباطات به مفهوم انتقال دانش به یک عمل تعیین کننده دیگر نیز بستگی دارد که دو سویه بودن آن است. ارتباط یک سویه از سلامت بر خوردار نیست. تبادل دوسویه باعث تعادل، تعادل موجب تفاهم و تفاهم باعث احترام متقابل و احترام متقابل عشق و دوستی را هستی پذیر می سازد. یک معلم با شاگردان خود موقعی می تواند ارتباط متعادل بر قرار کند که به این نیاز های اعتماد آفرین پاسخ داده باشد. پذیرش افراد در اجتماع، همینطور قبول یک جمعیت توسط یک فرد یک مدیر و یک رهبر سیاسی نیز از همین خاصیت بر خوردار است. نه تنها موفقیت اجتماعات انسانی و سلامت انسان در هر جمعیت به بر قراری ارتباطات سالم برای رسید به خرد جمعی و همسازی بستگی دارد بلکه ارتباطات سالم، نیرو آفرین، زاینده تحرک و تغییر و رشد است. سیاستمداران که با ادعای فراهم ساختن خوشبختی انسان در جستجوی ایجاد تعادل در ارتباطات هستند غالباً این تعادل را در جهت حفظ قدرت و منافع خود بر قرار می سازند. اگر باید از استبداد و بی فرهنگی روی گردانید و به سوی آزادی و فرهنگ گام برداشت، تجلی آن در شیوه و روشی خواهد بود که به کار گرفته خواهد شد که جوهر این روش احترام به اراده جمع است. امروز ما شاهد دوران کم کاری و نبود تحرک و انگیزش در اپوزیسیون هستیم. تولیدات واقعی اپوزیسیون تحلیل رفته و نیروهای عملیاتی کاهش یافته و آتش شوق رشد و تغییر در اپوزیسیون خاموش شده، درحالی که مجموعه نیازها و خواسته های اجتماعی در جامعه ای که ما ادعای مبارزه برای آزاد سازی آن از دیکتاتوری و استقرار دموکراسی در آن را داریم، کماکان موجودیت خود را حفظ کرده است. خلاف نگفته ایم اگر اظهار شود که مدیریت و رهبری اپوزیسیون، در ایجاد حرکت همنوزگوهر وجودی خود را بکار نگرفته و نقش تاریخی خود را ایفا نکرده است.

**تساویر فتح اوین از سوی مردم در سال 57 و امید به فتح دوباره آن**



